عنوان:

نسبتی با سد ذرایع!

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | e-o-84 |
| موضوع | اصول/مستقلات عقلیه |
| رده | علمی/فقه و اصول/اصول سطح دو/کمک‌آموزشی/کفایه/سؤال و تمرین |
| برچسب | دفع افسد به فاسد، سد ذرایع، تزاحم**،** مقدمه واجب، مقدمه حرام، حرام نفسی، حرام غیری، باب تزاحم، کرامت انسانی، مستقلات عقلیه، قاعده میسور، عناوین سیال |
| توضیحات | 1. محتوای این فایل، پاسخ به [تمرین 277](https://eitaa.com/karbordeelm/997) از تمارین [کانال کاربرد علوم حوزوی](https://eitaa.com/karbordeelm) در پیام‌رسان ایتا است.2. اکیداً دقت شود که انگیزه طرح این تمرین، صرفاً کاربرد برخی از مسائل علم اصول است و ناظر به استقصای همه ابعاد مسئله و استنباط حکم شرعی نیست. |

**تمرین:**

با توجه به ویدیو تعیین کنید که استدلال‌های موافقین و مخالفین در جواز و منع شکنجه تحت کدام مبحث اصولی می گنجند؟

**پاسخ:**

***بیان نماینده موافق:***

عنوان شکنجه فی حد نفسه ممنوع است.

گاهی حفظ واجب و یا ترک حرامی (مثل حفظ نفوس محترمه از اتلاف) متوقف بر شکنجه است.

پس با اکتفا به‌مراتب خفیفه، شکنجه جایز است.

*توضیح ما:*

ظاهراً ایشان از باب تزاحم وارد می‌شوند به این حساب که بعد تسلیم حرمت نزد موافق و مخالف به بیان طرو عنوان واجب اهم می‌پردازند و از باب مقدمه، وجوب را برای شکنجه اثبات می‌کنند[[1]](#footnote-1) و با توجه به اجتماع امر و نهی موضوع را موضوع تزاحم می‌دانند و با تقدیم حفظ جان که نزد شارع اهم است شکنجه را تجویز می‌کنند با حفظ اکتفا به حداقل از باب قاعده الضرورات تتقدر بقدرها.

***بیان نماینده‌های مخالف:***

*مخالف اول:* کسب اطلاعات لازم برای نجات جان‌های محترم متوقف بر شکنجه نیست.

*مخالف دوم:* تجویز شکنجه خفیفه مستلزم فتح باب شکنجه بی‌حدومرز است.

*توضیح ما:*

بیان مخالف اول انکار توقف واجب بر شکنجه است (انکار مقدمه) و لذا نوبت به طرو وجوب و تزاحم و تقدیم اهم نمی‌رسد اما در بیان مخالف دوم دو احتمال می‌توان داد؛ یکی اینکه انکار اهمیت (ملاک تقدیم احد المتزاحمین) است زیرا در نگاه وی گرچه عند التزاحم مفسده تلف نفوس اهم از مفسده شکنجه است اما تجویز همین موارد، مستلزم مفسده‌ای بالاتر از مفسده تلف نفوس محترمه است یعنی فتح باب شکنجه‌های شدید و به‌عبارت دیگر سه عنوان و دو تزاحم وجود دارد؛ شکنجه خفیف و فتح باب شکنجه شدید که حرمت دارند و حفظ نفوس که واجب است و حفظ نفوس باهردو تزاحم دارد و اگرچه بر اولی مقدم است اما نسبت به دومی، مرجوح است. احتمال دیگر اینکه حفظ نفوس با شکنجه خفیفه تزاحم دارد اما خود این عنوان اگرچه احیاناً مصلحت دارد اما در مقام تقنین که باید ملاکات نوعیه لحاظ شود تحقق مفسده ارجح بر این مصلحت (یعنی انجرار نوعی آن به شکنجه‌های شدیده) مانع از ذومصلحت شدن شکنجه خفیفه است و لذا تقدیم بر طرف تزاحم نمی‌یابد.

در این احتمال‌ها دو مسأله نیازمند پژوهش به نظر می‌رسد؛ یکی اثبات مفسده اکیده در شکنجه و دیگری آکدیت آن نسبت به مفسده حفظ نفوس[[2]](#footnote-2) چراکه می‌دانیم شارع مقدس نسب به نفس اهتمام بالغی دارد.

نماینده دوم نیز به دو نکته می‌پردازد و آن اینکه اولاً تجویز هر شکنجه‌ای مستلزم فتح باب شکنجه خواهد شد و ثانیاً این مسئله دارای مفسده‌ای اقوی از مفسده تلف نفوس است.

نکته اول از دو جهت نیاز به بررسی دارد:

الف) اثبات اینکه تجویز هرگونه شکنجه منجر به شکنجه‌ی محرم خواهد بود.

ب) هرچه که عامل انجرار به شکنجه حرام باشد، حرام است[[3]](#footnote-3).[[4]](#footnote-4)

مورد (الف) حکم شرعی نیست و یک گزاره خارجی است و عقلا در آن به اطمینان حاصل از تجارب بشری اکتفا می‌نمایند[[5]](#footnote-5).

مورد (ب) که کبرای حکم شرعی به‌حساب می‌آید بیشتر به استدلالات اهل سنت شبیه است و به‌طور واضح منطبق بر سد ذرایع است که مالکیه و حنابله آن را معتبر می‌دانند و نزد شیعیان برای اثبات حرمت نفسی قاصر است زیرا عقل و نقل از تحریم کلی مقدمات مفاسد ساکت‌اند و در موارد انجرار چیزی به حرام حداکثر آن را حرام غیری می‌دانند و نه نفسی و این یعنی خلو عنوان شکنجه از مفسده.

در دفاع از نماینده مخالف شاید بتوان گفت که مراد ایشان تمسک به سد ذرایع نیست –و ان کان ظاهر کلامه ذلک- بلکه در نظر ایشان خود عنوان «ما یحتمل[[6]](#footnote-6) أن ینجر إلی التعذیب الشدید[[7]](#footnote-7)» موضوع حکم استقلالی عقل به تقبیح است بنابر مبنای حسن و قبح عقلی و روشن است که همه مقدمات مفاسد این‌گونه نیستند؛ فافهم.

اما نکته دوم یعنی وجه تقدیم حرمت تعذیب بر حرمت تعریض نفوس محترمه برای تلف در بیان نماینده مخالف مذکور نیست و در دفاع از ایشان احتمالاتی آورده می‌شود:

یکی اینکه شاید به‌حساب فعلیت حرمت تعذیب و محتمل بودن حرمت ترک آن باشد چراکه شاید با تعذیب باز نفوس تلف شوند و یا بدون آن تلف نشوند و اصلاً انجرار ترک تعذیب به حرام و تعذیب به ترک حرام معلوم نیست و در تقدیم احد المتزاحمین، حرام راجح الاحتمال خفیف المحتمل در ترک مقدم است بر حرام خفیف الاحتمال راجح المحتمل؛ فتأمل.

دوم اینکه شاید به‌حساب مقاصد کلان شریعت باشد زیرا حفظ کرامت مردم با ترک تعذیب از حفظ جان مردم کم‌اهمیت‌تر نیست و در این صورت به دلیل سعه آمار مردم محتمل التعذیب در مقایسه با آمار مردم محتمل الاتلاف و فعلیت تعذیب ترک تعذیب مقدم است و الله العالم.

سوم اینکه شاید به‌حساب اهمیت وجاهت نظام اسلامی باشد در ساختار قانونی و عملکردها و تقدیم آن بر احکام جزئیه شریعت مسلّم است.

1. . ممکن است گفته شود که حفظ نفوس و شکنجه دو عنوان مستقل نیستند که دومی مقدمه برای اولی باشد بلکه حفظ نفوس عنوان سیالی است که مجموعه‌ای از عملیات را به شکل مترتب شامل می‌شود و مثلاً شکنجه فرد برای افشای محل بمب‌گذاری مرحله‌ای از حفظ است و نه مقدمه آن، فتأمل (اشاره به اینکه گستره صدق این عناوین با توجه به حکم عقل به وجوب آن قابل رصد است و در این مثال قویاً محتمل است که شکنجه، مقدمه باشد و نه شطری از عنوان.) [↑](#footnote-ref-1)
2. . بیان نماینده مخالف، ربودن نفوسی از خواص جامعه است و ما بحث را به تلف همه نفوس محترمه توسعه دادیم. [↑](#footnote-ref-2)
3. . مراد این است که مفسده شدیده در شکنجه‌ی شدید سرایت می‌کند به مقدمه آن که شکنجه خفیف است. [↑](#footnote-ref-3)
4. . تمرین حاضر بیشتر به همین نکته (ب) اهتمام دارد. [↑](#footnote-ref-4)
5. . برای اثبات اعتبار سیره‌های این‌چنینی رجوع شود به جزوه «کبرای اعتبار» که در دست تدوین است. [↑](#footnote-ref-5)
6. . دقت شود که احتمال در موضوع، جزوی از موضوع است و نه طریقی برای آن. [↑](#footnote-ref-6)
7. . الذی هو حرام لکونه ظلما قطعیا و در ادامه به بیان بیشتر آن پرداخته می‌شود. [↑](#footnote-ref-7)